

Queen Elizabeth's treasure

Narrator: The year is 1599. William Shakespeare is at the palace of Queen Elizabeth I of England. The Queen has ordered Shakespeare to write another play.

Queen Elizabeth I: Mr Shakespeare. Tell me about my new play.

Will: Your Majesty, The Merry Wives of Windsor is a comedy, in which Sir John Falstaff tries to trick two married ladies into giving him money behind their husbands' backs.

Queen Elizabeth I: Falstaff! Hahaha! He is such a wicked man... that's why I like him. Or maybe he reminds me of our dear friend Sir Walter Raleigh, who brings me treasure from around the world. Look at my pearls, taken from a Spanish ship by Raleigh and brought to me as a gift. 🎧))

Will: They are beautiful, your Majesty. Whoever could guess that such a creature, deep in the ocean, could contain the most beautiful, precious treasure: a pearl?!

Queen Elizabeth I: Yessss... to Raleigh, the whole world is an oyster... full of treasure, ready for the taking. By force if need be... he is not afraid to use the sword to bring me my treasure.

Will: Mr Raleigh is your loyal servant, your Majesty, as am I.

Queen Elizabeth I: To Falstaff. What of his trickery?

Will: Your Majesty, while Falstaff is trying to get money from the wives, his friend Pistol is trying to get money out of him! 🎧))

Queen Elizabeth I: Hahaha! Does he get it?

Will: Falstaff tells Pistol he won't give him a penny. Pistol becomes angry and says he'll get his sword and open up Falstaff's money bag – or any money bag he can find – like he's opening an oyster with a knife! It goes like this. I will not lend thee a penny...

Thomas Swann as Falstaff: I will not lend thee a penny.

Robert Harley as Pistol: Why, then the world's mine oyster.:Which I with sword will open.

Queen Elizabeth I: The world's mine oyster. It's full of money and treasure. Quite right, Mr Shakespeare, quite right. 🎧))

Narrator: We'll leave them there for now. The Merry Wives of Windsor was Shakespeare's only comedy to be set entirely in England, and it's considered to be his most realistic portrayal of the daily lives of ordinary people. Think of it as the original 'Real Housewives'. In Shakespeare's play, the phrase the world's mine oyster was used as a threat – but today, it has become the world's my oyster – or your oyster – and it describes situations that contain wonderful opportunities. Take US entrepreneur Chris Gardner, who wrote in his autobiography The Pursuit of Happyness:

Clip 1: The world is your oyster. It's up to you to find the pearls.

Narrator: It can describe the opportunities that open up when you take risks, have money or learn new skills. 🎧))

Clip 2: If you learn foreign languages, the world's your oyster.

Queen Elizabeth I: Mr Shakespeare, I am pleased. Your actors will perform this play for me.

Will: To perform, or not to perform: I'll just do what she tells me 🎧))

گنج ملکه الیزابت

راوی: سال ۱۵۹۹ است. ویلیام شکسپیر در قصر ملکه الیزابت اول حضور دارد. ملکه به شکسپیر فرمان داده تا نمایشنامه ای دیگر بنویسد.

ملکه الیزابت: آقای شکسپیر از نمایش نامه جدیدم بگو.

ویل: سرورم، همسران سرخوش ویندزور یک کمدی است که در آن جناب جان فالستاف سعی می کند دو بانو را فریب دهد تا دور از چشم شوهرانشان پولهایشان را به فالستاف بدهند.

ملکه الیزابت: فالستاف! هاهها! او مرد بدجنسی است... بخاطر همین از او خوشم می آید. یا شاید او مرا به یاد دوست عزیزمان جناب والتر رالی می اندازد که گنجهایی از سراسر دنیا می آورد. مرواریدهایم را که رالی از یک کشتی اسپانیایی گرفته و به عنوان پیشکش برایم آورده است، ببین.

ویل: سرورم آنها زیبا هستند. چه کسی می تواند تصور کند چنین موجودی در اعماق اقیانوس زیباترین و ارزشمندترین گنج را که یک مروارید است در دل نهان داشته باشد؟!

ملکه الیزابت اول: آری... به نظر رالی تمامی دنیا صدفی است... مملو از گنج که آماده ی به چنگ آوردن است. در صورت لزوم با توسل به زور این کار را می کند... او هیچ باکی ندارد که دست به شمشیر ببرد تا گنج مرا برایم بیاورد.

ویل: جناب رالی نیز همچون من خدمتگذار وفادار شماست.

ملکه الیزابت: به فالستاف برگردیم. حقه ای که سوار می کند چیست؟

ویل: سرورم، هنگامی که فالستاف در تلاش است تا از این دو زن پول بگیرد، دوستش پیستول سعی دارد از خود او پول بگیرد!

ملکه الیزابت: هاهها! آیا موفق به این کار می شود؟

ویل: فالستاف به پیستول می گوید حتی یک پنی هم به او نخواهد داد. پیستول خشمگین شده و می گوید شمشیرش را کشیده و کیسه سکه های فالستاف یا هر کیسه سکه دیگری را که بتواند پیدا کند همچون صدفی که با چاقو بازش می کنند خواهد درید! اینطور ادامه می یابد. من حتی یک پنی هم به تو قرض نخواهم داد...

توماس سوان در نقش فالستاف: حتی یک پنی هم به تو قرض نخواهم داد.

روبرت هارلی در نقش پیستول: پس دنیا صدف من است که من با شمشیرم آن را خواهم گشود.

ملکه الیزابت: دنیا صدف من است. پر از پول و گنج. درست است آقای شکسپیر. کاملاً درست است.

راوی: فعلاً آنها را آنجا رها می کنیم. همسران سرخوش ویندزور تنها کمدی شکسپیر است که تمامی آن در انگلستان رخ می دهد و واقعیت‌ترین توصیف را از زندگی روزمره مردم عادی ارائه می کند. آن را «زنان خانه دار واقعی» اصلی بدانید. در نمایشنامه شکسپیر عبارت the world's mine oyster عبارتی تهدید آمیز محسوب می شود، اما امروزه تبدیل به the world's your oyster یا the world's my oyster شده است و موقعیتی را شرح می دهد که حاوی فرصتهای فوق العاده ای است. کارآفرین آمریکایی کریس گاردنر را ببینید که در شرح حال خود به نام «در جستجوی خوشبختی» نوشته است:

کلیپ ۱: دنیا صدف توست. یافتن مرواریدها بر عهده ی خودت است.

راوی: این عبارت می تواند فرصتهایی را شرح دهد که هنگام خطر کردن، به دست آوردن پول یا آموختن مهارتی جدید پیش می آیند.

کلیپ ۲: اگر زبانهای خارجی را بیاموزی فرصتهای خوبی به دست خواهی آورد.

ملکه الیزابت: خوشم آمد آقای شکسپیر. بازیگران این نمایش را برایم اجرا خواهند کرد.

ویل: اجرا کردن یا اجرا نکردن: من فقط همان کاری را می کنم که او می گوید.